



روش و مهمت آموزش اسلامی

در داشتن قوه حافظه قوی و جذب مطالب و حقایق بود .

تنها در حدود قرن نوزدهم بود که در اصالت این نظریه که قرنها حکومت داشت تشکیک شد ولی هنوز بطور کامل حجیت و قدرت خود را از دست نداده، آنان که بیش از سی سال از عمرشان میگذرد میدانند که

در طول تاریخ برای قرنهای متمادی بشر همیشه فکر میکرد که اصل اساسی در آموزش عبارتست از انباشتن و پرکردن مغز و حافظه کودکان از حقایق غیرقابل تغییر و تشکیک . آموزش عبارت بود از فروریختن علوم در مغز خالی کودکان و بنابراین مهمترین امتیاز طبیعی کودکان بر یکدیگر

اساس آموزش و پرورش ایران براین پایه استوار بود و هنوز هم در بسیاری قسمتها اینچنین است و در بیشتر کشورها نیز این مساله صدق میکند.

تنها در اوایل قرن بیستم که متخصصین آموزش و پرورش بطور قطعی نظریه اصالت پرکردن ذهن و حافظه خالی کودکان را از حقایق غیرقابل تشکیک، رد کردند و رسماً اظهار داشتند که اولاً "آنچه در کودک مطرح است پرورش و رهبری استعداد و هوش و خرد است (چون تمام کودکان معمولی دارای استعدادهای مختلف برای امور گوناگون می باشند)، نه حافظه، و ثانیاً" حقیقت بلا تشکیک و علم مطلق غیر قابل تغییر وجود ندارد.

و از طرف دیگر رابطه بین آموزش و پرورش نیز (که قبلاً "شاید عقیده ضدان حکومت داشت) تحکیم شد. پیدایش علم زیست شناسی، روانشناسی و رشد علوم پزشکی به تحکیم این رابطه کمک کرد و این رابطه بین آموزش و پرورش در پیدایش روش و متد آموزشی جدید که عبارتست از بکار انداختن هوش و خرد و پرورش استعدادهای مختلف برای امور مختلف - نه پرکردن ذهن و حافظه خالی کودکان از حقایق غیر قابل تشکیک - کمک فراوان نمود. موفقیت معلم بعنوان کسیکه بیشتر حقایق را میدانست و قادر بود این حقایق را از خاطره و ذهن خود به خاطره و حافظه شاگردان

منتقل کند متزلزل شد و معلم نقش راهنمایی را پیدا کرد که میتواند هوش استعداد و خرد کودکان را در مسیر صحیح رهبری نماید و تئوری راهنمایی آموزشی بوجود آمد. و یک دوره آموزشی بنام دوره راهنمایی در سیستمها و نظامهای آموزشی تاسیس شد. تمام این تغییرات در اثر پیدایش اصل پرورش و بکار انداختن و رهبری استعداد، خرد و هوش که جای اصل قدیمی آموزش را گرفته، بوجود آمده است. اصل دیگری که در روش و متد آموزش و پرورش جدید بوجود آمده و باعث دگرگونی ماهیت آموزش شده است عبارت است از آموزش از راه انجام دادن و تجربه. البته در این زمان که در اثر پیشرفت تفکرات فلسفی بسیار و توسعه تحقیقات روانشناسی آموزش عملی ضروری و طبیعی و حتی در موارد بسیاری تنها روش و متد آموزشی محسوب میگردد، آموزشهای مختلف در جهان معاصر از طریق نافیلد صورت میگیرد (۱)، آموزش عملی ساده بنظر میرسد (روش آموزش عملی) و در هر دبستان و دبیرستانی آزمایشگاه و یا آزمایشگاههایی لازم بنظر میرسد ولی نظری باوانل قرن هیجدهم روشن میکند که معلم تنها وسیله آموزش و تنها طریقه منحصر بفرد آموزش نظری بوده است.

ژان ژاک روسو فیلسوف فرانسوی برای اولین بار در کتاب امیل خود آموزش عملی

را پیشنهاد کرد. مهمتر اینکه آموزش و پرورش نه تنها باید با عمل و آزمایش توأم باشد بلکه کودک باید خود آموزش عملی را عمل کند. اصل بعدی در روش آموزش عبارتست از اصل حریت و آزادی کودک. کودک بایستی آزاد باشد تا آنچه را که میخواهد به کیفیتی که میطلبد بیاموزد نه آنچه را معلم میداند باو تعلیم دهد. مجدداً روسو در اینجا پیشقدم شد چون معتقد بود طبیعت و آزادی دواصل اساسی آموزشی است و با امکاناتی که تمدن جدید در اختیار آموزش و پرورش قرار داد تنبیهات بدنی از بین رفت و بلکه ممنوع شد و از نظر روانشناسی نه تنها تنبیه صحیح نیست بلکه ترس از تنبیه نیز صحیح نمیباشد و این به آن معنی است که نه تنها کودکان در مدارس نمیبایستی تنبیه شوند بلکه نگهداری اسباب تنبیه بدنی در مدارس بمنظور ایجاد ترس نیز غلط است، آزادی کامل کودک بدون ترس از تنبیه بدنی مطلقاً و بدون ترس از بسیاری از انواع تنبیهات روانی بایستی تأمین گردد.

آنچه به تقویت اصل آزادی در روش و متد آموزشی کمک کرد، سست شدن پایه های علمی و روانی بسیاری از مسایل تصویری اخلاقی بود. تعلیم اصول اخلاقی و تربیت طبق الگوی غیرقابل تغییر در بسیاری موارد تنها آموزش صحیح بود و بجز آنها چیزی

آموزش تصور نمیشد. تعلیم آداب و رسوم قسمت عمده آموزش و شاید همه آنها تشکیل میداد و تشکیک در تغییر آنها ویا نادرست بودن آنها غیرقابل تصور بود.

مطلب دیگری که به تحکیم آزادی بعنوان یک اصل در آموزش کمک کرد عبارتست از طرد عقیده دینی مسیحی که کودکان ذاتاً "گناهکار و بدفطرتند. طرد این نظریه ابتدا توسط ژان ژاک روسو پایه ریزی شد، وی معتقد بود که کودک دارای طبیعت و غریزه پاک و معصومی است و باین جهت رشد طبیعی کودک از راه تأمین آزادی وی بایستی هدف آموزش باشد.

روش و متد آموزشی اسلامی

بحاست یادآور شویم که روش آموزشی اسلام از ابتدا بهیچوجه مطلب آموزی نبوده است، بلکه آموزش (چگونه آموزی) بوده است.

اگر کیفیت آموزش اصول دین را که از مهمترین مسایل آموزشی دینی اسلامی است بررسی کنیم می بینیم که اصول دینی تقلیدی نیست و این بدان معنی است که هرفرد بایستی بهترین و مهمترین مسایل دینی را هم از طریق اجتهاد و با استقلال فکری درک کند. کودک از ابتدا با روش و منطق مستقل بخود باید فکر کند نه مطالب را ازراه تقلید و تلقین قبول ویا رد کند

"قبلا" در بیان تعریف آموزش این مطلب بررسی شد) که این روش آموزش "چگونه آموزی" ویا "استقلال در فکر" در تحقیقات فلسفی اسلامی نیز پیروی شد.

فلاسفه و متکلمین اسلامی مطالب را بدون جرح و تعدیل نپذیرفته‌اند بلکه آنها را بیطرفانه موضوع بررسی قرار دادند.

روش آموزش "چگونه‌آموزی" (درمقابل "مطلب‌آموزی") در مطالعات و آموزش عالی اسلام نیز پیروی می‌گردد، بعنوان نمونه مجتهد آن نیست که تمام مسایل را حاضرالذهن باشد، بلکه مجتهد کسی است که قدرت استنباط مسایل را از راه منطق و دلیل دارا باشد (۲).

تجزیه و تحلیل حدیث مشهور "النَّاسُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ" (یعنی مردم مانند معادن طلا و نقره‌اند) روشن میکند که هدف و متد آموزشی اسلامی بکار انداختن، رهبری، راهنمایی استعداد و هوش و خرد افراد است. و کودکان دارای استعداد‌های مختلفی هستند که بایستی مانند معادن استخراج شوند ازاین حدیث دونکنه مهم استفاده میشود:

۱ - اینکه کودکان و افراد دارای استعداد‌های مختلفی هستند که هر یک در مورد خود دارای ارزش مستقل و غیرقابل انکاری هستند زیرا معادن مختلف و هم مفیدند.

۲ - استعداد، هوش و خرد افراد

بایستی استخراج، رهبری و راهنمایی بشود چون افراد خوداز استعداد بهره‌مندند، باید از آنها بهره‌برداری شود نه اینکه افراد ظروف خالی هستند که بایستی از معلومات پرشوند، معادن استخراج میشوند و از آنها بهره‌برداری میشود نه اینکه پر میشوند (۳).

قال علی (ع): **فُضِّلَ فِكْرٌ وَ فَهْمٌ أَتَجَحُّ مِنْ فُضْلِ تَكَرُّرٍ وَ دِرَاسَةٍ (۴)** آرزو درک و فهم مطالب بمراتب بهتر است از تکرار و خواندن (تجزیه و تحلیل و خودآموزی بهتر است از مطلب آموزی).

عن ابی عبدالله (امام صادق ع) انه قال: **(حَدِيثٌ تَدْرِكُهُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ تَرْوِيهِ وَلَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَحِيهَا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا: فهم یک حدیث بهتر است از حفظ و نقل هزار حدیث. و مردی از شما تا زمانیکه تاویلات کلام ما را نشناسد فقیه نمیشود).**

اصل تربیت کودک برای خودآموزی نه مطلب‌آموزی، در همان صدر اسلام بعنوان اصل تربیتی پذیرفته شده بود: ابی‌الحسن ابن‌ابی‌ذر متوفی ۳۸۱ هجری در کتاب **السَّعَادَةُ وَالْإِسْعَادُ صَرِيحًا** این مطلب را تایید میکند و میگوید: **إِبْتِدَاءُ التَّادِيْبِ مِنَ التَّنْوِيهِ وَ ذَلِكُ بَانَ يُوْخِذُ الصَّبِيَانَ بِاعْتِيَادِ الْعَادَاتِ النَّافِعَةِ الْحَسَنَةِ (۵)** شروع تربیت از گوشزد و تنبیه است و گوشزد بآن جهت است که کودکان به خوی گرفتن باعادات

— های خودآموزی تنها در صورتی موجه است که تعلیم و تعلم تکامل یافته باشد. این خلدون نیز باین مطلب که هدف از آموزش و پرورش بایستی آموزش چگونه‌آموزی باشد تصریح میکند و میگوید: (فَالْحُصُولُ عَلَي هَذِهِ الْمَلَكَةِ فِي الْعِلْمِ أَوْ الْفَنِّ يَكُونُ بِالْتَّعْلِيمِ : پس نایل شدن بر این ملکه در مقام علم یا فن باید تعلم باشد) (۶). از طرف دیگر چون اسلام اساساً معتقد

سودمند و نیکو، وادار شوند. البته این مطلب در مورد تادیب است ولی هدف از تادیب را که تربیت باشد عبارت از ملکه شدن صفات و رفتار حسنه میدانند نه فعل و تکرار آنها و بهر صورت الزنجوی متوفی ۳۷۱ کتابی در آموزش (چگونه‌آموزی) نوشت بنام (تعلیم المتعلم طریق التعلیم) (آموزش چگونه‌آموزی به



به پاکی فطرت و صفای باطن کودکان است: (كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَي الْفِطْرَةِ هَرْمُولُودِي مطابق با اصول فطرت متولد میشود) از آزاد گذاردن کودکان در آموزش و پرورش

شاگرد) از موضوع این کتاب چنین استنباط میشود که اصل آموزش "خودآموزی" خیلی زود در سیستم آموزش و پرورش اسلام بوجود آمد و طبعاً نوشتن کتابی در روش

باکی ندارد و حجیت اصل آزادی در آموزش را تایید میکند. طبیعت کودک و طبیعت هرچیز پاک و منزّه از هرعیب و نقص است و استفاده از طبیعت و استعدادهای طبیعی کودک لازم است (۷). چون تعلیم نقل و انتقال انسان است از حالت جهل بحالت علم، هدف از آن ایجاد قدرت اجتهاد، بلکه استنباط چیزهایی است که نمیداند با بکاربردن آنچه میداند.

معلم جنبه ارشاد و راهنمایی و تهیه وسایل کار تعلیم را دارد نه سمت کسیکه مطلب را بشاگردان آموزش بدهند.

ابن سینا به اهمیت آموزش کودکان از طریق یکدیگر آموزشی پی برده است و آنرا توصیه میکند (۸). و اما آموزش ازراه تجربه و آزمایش بطور دقیق مورد تأیید و توجه اسلام قرار گرفته است: **وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَاتَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَّجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ** (۹): خداوند شمارا از بطنهای مادرانتان بیرون آورد، درحالیکه چیزی نمی دانستید و برای شما گوش و دیده و دلها آفرید، شاید که شما شکرگزاری کنید). پیشنهاد استفاده از چشم و گوش و زبان و حواس برای تعلیم ارزش روشهای آزمایشگاهی و استفاده از وسایل سمعی و بصری را کاملا تایید میکند.

آموزش و پرورش اسلامی
ابوالفضل عزتی

۱ - سیستم نافیلد تقریبا " آخرین مدرنترین و بهترین روش آموزشی است که از انگلستان شروع و در قسمتهای دیگر جهان با سرعت مورد قبول شده است.

۲ - رجوع شود به کتب اصولی باب اجتهاد مانند کفایه الاصول، تالیف آخوند ملا محمد کاظم خراسانی.

۳ - برای بررسی اصالت استعداد و فطرت بشر در آموزش و پرورش اسلامی رجوع شود به کتابهای فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله والسیاسه.

۴ - غررالحکم، ص ۵۱۷

۵ - السعاده و الاسعاد، ص ۳۶۴

۶ - مقدمه ابن خلدون، ص ۳۰۲

۷ - الفارابی، آراء اهل المدینه الفاضله کتاب السیاسه.

۸ - برای این مطلب و یا نظرات ابن سینا در مورد آموزش و پرورش رجوع شود به کتاب به نام مقالات بعض مشاهیر العرب در بیروت در سال ۱۹۱۱ میلادی درجلد نهم مجله المشرق منتشر شده است. هم چنین رجوع شود به کتاب شفای ابن سینا.

۹ - سوره ۱۶، آیه ۸۰